

بخت آید

ارسمان جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران

یهودیان نمیتوانند در مقابل خطر جنگ سکوت نمایند

جنگهای بین المللی اول و دوم برای بوجود آمدن کارخانه داران بزرگ و صنایع عظیم میخواستند در تقسیم ابرات و بازارهای فروش تجدیدنظری آورند.

صنایع کشورهای مختلف بطور زور رشد و ترقی پیدا کرده بود. این روی که تولید بیشتری پیدا کرده بود هم فروش محصولات خود احتیاج به سرات تازه داشت و چون مستمرات رقیب بین ممالک بزرگ تقسیم گشته بود نظر تجدید تقسیم آن جنگ بمنوان وسیله مایه میرفت، اما کسانی که بار جنگ را بداروش میکشیدند، کشته میشدند، خانه و بیسانگی خود را از دست میدادند؛ طامع در دل توپخانه و بمب واقع میشدند مردم بر خشکی بودند که کوچکترین نغمی از ارجی باشکست در جنگ هایدشان نمی شد.

اینکه مردم را وادار بچنگ و کشتار بزرگ نمایند، احساسات میهن پرستی وی امرای تحریک مینمودند و بنام دفاع از مردم کشورهایار بجان یکدیگر بکایین اخذند. دفاع از وطن تنها وقتی مفهوم میکند که واقعا مردم در سرزمینی که نت دارند از خانه و مسکن، فرهنگ داشت و زندگی مرفه بهره مند گردند، بر سر نوشت خویش حاکم باشد، مت مردم بر مردم مستقر باشد، در...

اینصورت دفاع از وطن در مقابل تجاوز معنی و مفهوم دارد؛ چنین کشوری هرگز طرفدار جنگ نیست، مستعمره نمی خواهد، تجاوز نمی کند، تنها کشورهای که طبقات ظالم و مظلوم، غارتگر و غارت شده در آن وجود دارد کشورهای که سیاست و اقتصاد آن بسود صاحبان صنایع بزرگ میگردد نتیجه زحمت اکثریت مردم بصورت سود و سرمایه نزد عده قلیلی که گرداننده امور مملکت میباشد متمرکز میشود گردانندگان امور و فرمانروایان چنین کشورهای برای جلب منافع خود، برای بقیه در صفحه ۴

کوشش در راه اصلاح مدارس یکی از وظائف اساسی جمعیت ماست

مدارس جایگاه تعلیم و نشو و نما روحی جوانان ما بشمار میروند اساس تربیت علمی و اجتماعی جوانان ما در مدارس گذاشته میشود.

بقیه در صفحه ۳

انجمن گلیمیان باتر کیب کنونیش نمیتواند مفید بحال اجتماع باشد

بصوات کوشش بی کبر و مداومی که ملت محروم ایران بخاطر راهی از وضع نکبت بار موجود و از بین بردن محرومیت های بسیار زیادی که گریبان گیر اوست مینماید اقلیت رنج دیده بود ایران نیز دوشادوش سایر برادران هم

میهن خود با عوامل فساد و محرومیت های مشترکی که دارند مبارزه می کنند. اگر چه مقدار نسبتا زیادی از این محرومیت ها مشترکا بین همه هم میهنان ما عم از هر مذهب و مسلکی که داشته باشند وجود دارد ولی نمیتوان انکار کرد که قسمتی از این ممالک و محرومیتها نیز صرف نظر از محرومیت های مشترکی که با سایر هم میهنان خود داریم منحصرأ اختصاص بجامعه یهود دارد.

باتوجه باین اصل بسیار مهم که عامل اصلی و واقعی فساد جامعه ما شرایط اقتصادی موجود میباشد که رفع آن بجز با

بقیه در صفحه ۲



مردم «ارسل اسرائیل» برای حفظ موجودیت کشور خود در راه صلح فعالانه میکوشند (نقل از یکی از روزنامه های ارسل اسرائیل)

استقبال بی نظیر مردم در روز «کیپور» از جمعیت مانشاه صحت و درستی روش مایم باشد

جمعیتی که برای مردم و رفع مشکلات و بدبختیهای جامعه بوجد آمده باشد همیشه سعی دارد که با مردم تماس بیشتر گرفته و افکار و هدف خود را با آنان عرضه داشته و برای پیشرفت مقاصد خود کمک بخواهد.

بهمین لحاظ در روز «کیپور» که کلیه اسرائیلی های تهران برای انجام مراسم مذهبی در کلیساها مجتمع بودند جمعیت ما تصمیم گرفت که برای شناساندن روش و هدف جمعیت کنفرانسهایی در کلیساها ترتیب دهد.

آنچه که بیشتر در این سخنرانیها جالب توجه بود استقبال بی نظیری بود که عموم مردم از جمعیت ما بعمل آوردند.

همه جا مردم بدقت سخنان ناطق جمعیت گوش فراداده و همه جا روش و هدف مترقی ما مورد استقبال و تحسین عموم قرار میگرفت.

این استقبال بی نظیر بهترین مشوق و بزرگترین نشانه آن بود که روش ما صحیح و اساسی و بر طبق احتیاجات مردم و مقتضیات وقت است و بتواند میدهد که چنانچه این روش را دنبال کنیم و همه جا بامردم و برای رفع بدبختیهای فعلی کار کنیم موفقیت ماحتی خواهد بود.

مردم بیان دردهای خود علاقمندند و هر جمعیتی که سخنی از دردهایشان گوید و از نا گواریه و نااملائیات زندگی شان یادآوری نماید بآن متوجه میگرددند - سخنانش گوش فرا میدارند و منتظرند که از آن گروه عمل و فعالیت مشاهده نمایند و کوشش در رفع بدبختیهای اجتماع از آن ببینند.

تا کون جمعیت های و انجمن های فراوانی آمده اند همه از درد ملت سخن گفته اند

بقیه در صفحه ۴

دنباله مباحثه اوستا سلمونی بار فیکش

آدم خیلی دلش میخواد سرقولش وایسه، اما خدا میدونه گرفتاری ما مردم عیالیار او تقدزیده که نپرسا که بادتون باشه، من برقیتم قول داده بودم بر سر وقتش گفتگو اون هفته را دنبال کنیم.

خلاصه ما نشد بریم، اون سراغ ما اومد، خدا بابا شو بیامرزه که مار زیر خجالت فراموشی نگذاشت.

آقای که شا باشید سر در دلا و اشد زیاد گفتیم و زیاد شنیدیم رفیقون سخت و سوز و ایساده بود که مرغه به پا

داده.

«سیاست بانویومده» ما با ما س پی به لقمه نون باشیم و شکم بر بیچارانیه سیر کنیم و دلیل آقا رفیقون این بود:

«هر که را بهر کاری ساختن» تویه نفر سلونی دوره کردی اصلاح دخالت به کارای بزرگون سیاستمدار را ندازی و خودتم بی خودی به درد سر میندازی. مثل فلونی که جوشنو سر سیاست به درد داد، از این حرف زیاد گفت. آقای مدیر بچون شا، این طور صورت حق بجانب بخودش گرفته بود که بیاتناشا کن.

اما باباجون ما این موها مونو تو اسباب سفید نکردیم، با این حرفا از میدون در نیریم گفت:

عزیز جون پیاده شو تا با هم بریم تویه کردو که میخوای بخوری اول میشکنی بعد پوشالو در میاری، اکه کردوی تازه باشه بوس ناز کشم میگیری اون

بقیه در صفحه ۳

ارزش زن در اجتماع

آقای مدیر روزنامه «بنی آدم»

از آنجاییکه در تمام شماره های آن روزنامه یکی دو مقاله خود را اختصاص بعالم زنان داده اید و کوشش نموده اید که ارزش واقعی ما زنان را شرح دهید و از حقوق واقعی ما، از حقوقیکه این اجتماع عقب مانده برای ما دوشیزگان و زنان قائل نیست - دفاع نموده اید نویسنده وظیفه خود دانستم در این امر مهم و حیاتی شرکت کنم. طی مقالاتی محرومیت زنان و دختران اسرائیل را بشکارم و توجه همگان را نسبت بحقوق حقه خود جلب نمایم.

هرچه زمان جلو میرود و فکر اجتماعی تقویت پیدا میکند و افکار روشتر میگردد

بهمان نسبت زن ب مفهوم حقیقی ارزش خود را پیدا کرده کار و مبارزه مثبت او نمودار پیدا میکند این حقیقت روز بروز دامنه اش وسیعتر شده بطوریکه امروزه در کشورهای مترقی زن ها حساسترین پست کشوری را در دست دادند و در تمام شئون اجتماعی اهم از اقتصادی، سیاسی، هنری و فرهنگی دارای حقوق مساوی با مرد میباشند زن و مرد هر دو در یک قطعه کلام میگذازند یکی بردیگری برتری و امتیاز ندارد و برای اینکه زن بتواند بطور مسلم از این قانون استفاده کند در ممالک مترقی مقررات و تسهیلات فراوانی قائل شده اند. امروز بسیاری از ممالک متوجه این حقیقت شده اند که زنان میتوانند و باید در سرنوشت خود دخالت کنند و هر قدر جامعه ترقی کند بر اهمیت این موضوع افزوده میشود - زن حس میکند که وظیفه بزرگی بر عهد دارد و کوشش

بقیه در صفحه ۳

انتخابات

مسئله ایکه هر دو سال یکبار ملت ایران با آن روبرو میشود و پس از چهل سال هنوز بسود و مصلحت او حل نشده است مسئله انتخابات مجلس شورای

است.

ملت ایران با وجود فداکاری ها و شهامت های تاریخی، بدو علت اساسی نتوانسته انتخابات بحق خود را بیل آید و با درد داشتن سرنوشت خود از نمره جان بازیهایش بهره مند شود.

اول بعلت ناقص و نامصحیح بودن قانون انتخابات. دوم بواسطه تشبثات مال نفوذ های ناروای افراد و دستگاہهای معینی برای عدم اجرای صحیح همین قانون ناقص و غلط میباشد. بشهادت تاریخ شانزده دوره مجلس مقننین جز در یک دوره نمونه ای از نمایندگان واقعی ملت ایران در مجلس شورای ملی مشاهده است اگر اعیان در اثر مجاهدتهای افراد ملت چند نفر به هم از بین مردم نماندگی وارد مجلس شدند و خواستند از حقوق ملت ایران دفاع کنند یا لم و حق کشیهای صاحبان قدرت و مال، اعتراض نمایند مورد اهانتها و اتهامات گرفتند و عاقبت یادر دوره نمایندگی یا پس از پایان آن از میان برداشته شدند.

م دوران مجلس شورای ملی اگر بدقت بشرح احوال اکثر نمایندگان توجه شود میشود که ازین آنها کسی نماینده و مدافع این مردم زنده بوش با برهنه و

بقیه در صفحه ۲

انتخابات

بقیه از صفحه ۱

آنهایکه فقط در موازد مدیحه سرائی و تملق گوئی و تسلیم بلا اراده شدن خود نمائی میکردند و بقلظ خود را « نماینده قاطبه ملت » میخواندند کسانی بودند که همواره بزور مقامات متنفذ بر کرسی نمایندگی قرار گرفتند و در مقابل مدافع منافع صاحبان املاک و وسیع و دارندگان زور و زرد بودند جز در مواقع بسیار معدود و نادر در طول چهل و شش سال کدام نماینده از بین طبقات محروم مردم قدم بساحت مجلس نهاد؟ یا بکدام فرد شایسته ای که از میان مردم واقعی ایران انتخاب شده باشد اجازه و راه دادند و از دست مجلسش شود؟ و با اصولاکی مردم امکان و اجازه دادند که نمایندگان واقعی خود را انتخاب نمایند در کدام يك از ادوار مجلس قوانین بسود مردم وضع شد و مجلسیان اجرای آنها از دولتهای وقت خواستند؟ در کدام يك از ادوار مجلس بود که اوقات گرانبهای آن صرف گروکشی و نان قرض دادن و تملق گوئی نشد؟

اکنون پس از چهل و شش سال که از عمر مشروطیت میگذرد با وجود سرودن اشای دولتهای گذشته و مجلسیان که مدعی وطن پرستی و اصلاحات بودند وقتی امروز ملت ایران بیلان گذشته پر درد و رنج و آلم خود را میرسد می بیند با عری تلف شده و زحمانی از دست رفته، در برابر خزانه ای تهی، فرزندان گرسنه و تنی فرسوده و کشوری غارت شده و ویران و تشکیلاتی درهم و برهم و بهره جرمج قرار گرفته است. این نتیجه شانزده دوره مجلس شورای ملی است. در این ادوار شانزده گانه مجلس در کدام دوره بوده که ملت ایران با وجود فقر و سرگردانی از فشار و مظالم مستبدین و از تحمل اجحافات بنام «اجرای قانون» و «مصالح کشور» و «وطن پرستی...» راحت بوده است در کدام يك از ادوار احترام قانون اساسی که خونبهای قهرمانان این ملت رشید است رعایت شده و مواد آن آنطوریکه واضحین مجاهد آن خواسته اند بصلاح ملت ایران اجرا شده است؟ در کدام يك از ادوار این شانزده دوره مردم از تعرض به جان و مال و ناموسشان مصون بوده اند؟ در کدام يك از ادوار واقعا نمایندگان بین دردها و آلام مردم و نشان دهنده خرابیهای دانه دار کشور بوده اند؟ در کدام يك از ادوار نمایندگان گوشش کردند که اینهمه نیروهای بلا مصرف و منابع برتر و بی انتهای طبیعی و غیر طبیعی این مردم و این کشور بسود ملت ایران بکار افتد؟ اکثر نمایندگان شانزده دوره که از قصرهای مجلل و برنمت خود قدم رنج فرمودند! و وارد مجلس شدند و کمترین درکی از بدبختیها و سیه روزیها و دردهای بی پایان این ملت گرسنه و غارت شده ننوده اند و خود را نماینده ملت ایران میخوانند تصور میکنند کشور ایران یعنی چند خیابان زیبا با ساختمانهای قشنگ و چند طبقه آن و چند قطعه باغات بیلاقی آنها و خیال میکنند ملت ایران یعنی کسانی که با هزاران ناز و نخوت ساکنین آن قصرها و ساختمانها هستند! حق هم دارند چون اولاً نمی توانند مردمی را بجز مردم سابقه بصوص خود را ببینند و ثانیاً نمیتوانند رنج و حالت اسفناک مردم حقیقی این کشور را درک کنند زیرا اگر درک میکردند می توانستند با آنچه قدرت و وسائلی که در اختیار طبقه مخصوص خود دارند یکی از میلیونها ادعاهای خود را در راه اصلاحات عملی کنند.

در هر دوره ای از انتخابات چه دسیسه هائی که برای جلوگیری از افراد واقعی ملت در راه شرکت در انتخابات حقیقی ایجاد نکردند؟ چگونه صاحبان زور بدون لیاقت و استحقاق از قدرت و تملک خود و از سادگی و بیسوادگی و فقر مردم سوء استفاده ها کردند چگونه آراء مردم بی خبر و ساده را با چند تومان پول معامله میکردند؟

نونه های کوچک آنها با تمام فضیحت و وقاحت و ننگ آن در انتخابات یهودیان دیدیم و بخوبی مشاهده کردیم که چطور افرادی نالایق و نادرست و بلا تشبث باعمال شرم آور بآبراه انداختن دسته چاقو کش و هوچی و باصرف مبالغ حیرت انگیز بر مقدرات يك اقلیت محروم و ساده و وطن پرست مسلط شدند. این اقلیت اسرائیل ایران علاوه بر تحمل هزاران ناعدالتی و بی انصافی چگونه در مواقع انتخابات عقب زده میشود و افراد سودجو و نالایقی را بنام نماینده برخورد تحصیل شده میبافند!

چون انتخابات دوره هفدهم نزدیک است و خواهی نخواهی بایستی نماینده ای بنام یهودیان ایران وارد مجلس شورای ملی شود و مجلس شورای ملی دسر - نوشت ملت ایران موثر است و یهودیان ایران جزئی از ملت ایران هستند لذا ناگزیریم برای اطلاع برادران خود حقایق را بگوئیم، تا اینکه فرصت شود عموم را در جریان قرار دهیم شاید راه برشادان بسته شود و افراد لایق و شایسته این اجتماع بتوانند روی کار آیند.

تاکنون گذشته از اینکه از نمایندگان خود خیری ندیدیم و بهره ای نبردیم همواره آنها را در زرد و بندهای ویران کننده که موجب اختناق مردم شده است شریک دیده ایم و وظیفه نامه نگاری ماو سایر افراد روشن و مبارزین است که همه هم آنهاک شویم و در این موقع حساس و مبارزیک با ادامه مبارزه امکان موفقیت را از ناشایستگان بازستانیم و در کف افراد لایق و مجاهد که مصالح ملت را بر سود خود و متعلقین اطراف خود ترجیح میدهند سپاریم دنباله این بحث بر اهیت ادامه خواهد داشت که تا حدود امکان حقائق گفته شود

انجمن کلیه یان با ترتیب کنونی

بقیه از صفحه ۱

مبارزه دسته جمعی همه هم میهنان امکان پذیر نیست ولی این نکته نیز انکارناپذیر است که اصلاح قسمتی از این غیوب و مخصوصاً ناگواریهائی که اختصاص به اقلیت یهودی ایران دارد در صورت وجود يك انجمن و موسسه صحیحی که منتخب اکثریت افراد این اقلیت بوده و در ضمن اطلاع بمعایب موجود واقعا برای اصلاح معایب و بهبودی آن دلسوز باشد امکان پذیر است.

خوانندگان کرامی و با وفای روزنامه بنی آدم اطلاع دارند که جمعیت فرهنگی و اجتماعی ما که برای اصلاح معایب فوق الذکر چندی قبل تشکیل شد و در برنامه خود اصلاح بهداشت و فرهنگ و رفع بسیاری محرومیت های دیگر جامعه یهودی را نصب العین و شعار خود قرار داده بود برای تذکر عیوب مذکور و ارائه طریق اصلاح آن چندی قبل از انجمن و رئیس آن ملاقات و درخواست جواب شوالاتی را نمود.

انجمن که مسلماً در جواب شوالیات جمعیت ماهیچگونه جواب قانع کننده نداشت باین دلیل (که انجمن صلاح نمیداند افراد خارجی از معایب اجتماعی ما با خبر شوند) ازدادن پاسخ بسوالات خبر نگار روزنامه و نماینده جمعیت ما امتناع نمود.

ما بخوبی از مدتها قبل به اهمیت واقعی این باصلاح انجمن اطلاع کامل داشتیم و با این عمل خلاف خود انجمن «چهره واقعی» و «وسیله حقیقی» خود را بنحو واضح و کاملاً آشکاری عیان ساخت.

همه افراد اقلیت جامعه ما حتی عده معدودی ساده که فریب تبلیغات فریبنده این انجمن را خورده بودند به ما مهیت این انجمن کاملاً واقف شدند.

بنابرین در جامعه کنونی اقلیت یهودیان ایران (انجمن باصلاح کلیه یان) نه تنها برای اصلاح معایب و رفع مفاسد اقدامی نمی کند بلکه بنظر این جمعیت با توجه بنحوه تشکیل انجمن کلیه یان و افراد عضو این انجمن که به پیوجوه از عیوب اجتماعی اطلاع نداشته و دلسوز بحال اجتماع نمیباشند خود این انجمن یکی از عوامل موثر در خرابی اجتماع ما میباشد.

روی همین اصل کلی است که در هر هنگام که امکان مبارزه وجود داشته است تقریباً کلیه روزنامه ها و مجلاتی که از طرف اقلیت جامعه منتشر میشده بلا استثناء با الهام از افکار عمومی با این انجمن مبارزه نموده اند در ملاقاتی که نماینده جمعیت ما برای اخذ پاسخ شوالیات خود باجناب رئیس انجمن که افتخار نمایندگی اقلیت ما را در مجلس نیز دارند نمود آقای رئیس انجمن پس از بیان یکسخت دلائل غیرموجه و غیر منطقی و کله گزاری از نحوه رفتار روزنامه باجناب ایشان فرمودند که در هر حال در مورد این مبارزه و مخصوصاً مخالفتی که با ایشان شده است!! صدهزار نفر!! اقلیت یهودی که با ایشان در

هنگام انتخابات رای داده اند در این مورد قضاوت خواهند کرد.

اگرچه مخالفت عمومی اقلیت ما با ایشان و انجمن وابسته با ایشان و مخصوصاً مخالفت روزنامه های منتشره تاکنون خود نمونه از قضاوت افکار عمومی در باره ایشان میباشد.

ولی واکنش و عکس العملی که در روز «کیبور» در عموم مساجد نسبت با ایشان نشان داده شده هیچگونه محل تردیدی در باره نحوه قضاوت اکثریت قریب باتفاق افراد جامعه ما نسبت با ایشان باقی نمیگذارد.

در روز کیبور آقای رئیس انجمن میخواستند با سوء استفاده از اجتماع مردم در مساجد یکرشته اقدامات خیالی را که کاملاً جنبه توهم دارد بر مردم بکشند.

مردم بیدار جامعه ما که کاملاً به اهیت این انجمن و خود خواهی رئیس آن اطلاع دارند در همه جا و تمام مساجد با اعتراض بسیار شدید مانع از قرائت گزارش آقای رئیس شدند.

در همان هنگام که اعتراض بسیار شدید مردم نسبت به قرائت گزارش آقای رئیس وجود داشت جماعتی مردم با استقبال و علاقه بی سابقه ای که تاکنون در هیچ موردی سابقه نداشته است باشور و هیجان به سخنان نماینده گان جمعیت فرهنگی و اجتماعی گوش فرا دادند.

مسلمانان این اعتراض و اظهار تفرشیدید مردم نسبت بر رئیس انجمن که خیال داشت باعوام فریبی یکرشته اقدامات خیالی را با اطلاع مردم رسانیده و در این هنگام که انتخابات دوره هفدهم نزدیک است برای خود باصلاح (کسب وجهه) نماید و در ضمن این همه اظهار علاقه و شور و احساسات که در همان هنگام نسبت به اظهارات نمایندگان جمعیت ما وجود داشت خود نمودار جالب توجهی از چگونگی افکار عمومی و نحوه قضاوت آن می باشد.

آقای رئیس انجمن باید متذکر باشد که افکار عمومی را نمی توان فریب داد باید این مطلب بسیار مهم را در نظر داشته باشند که هنگامیکه جامعه ما از ابتدائی ترین مسائل زندگی محروم است تاکنون کوچکترین اقدام مفیدی از انجمن برای اصلاح این مفاسد نشده است موقعیکه مشاهده میکنند که اعضای انجمن آنچنان بیگ (مخفلس) تبدیل ساخته و حتی از گرفتن کوچکترین تماس با مردم هراسناکند و مخصوصاً با توجه بسابقه اعضای این انجمن و نحوه تشکیل

انتخابات بایستی بسود مردم و برای مردم و بدست مردم و با شرکت مردم بطور آزاد صورت گیرد و گرنه نمره آن چون ادوار گذشته ویرانی، تباهی، فساد و ناراضیتی خواهد بود.

«حلاج»

آن که ابتدائی ترین اصول و مقررات معموله در جریان آن رعایت نشده و حتی عده افراد شرکت کننده در انتخابات انجمن از تعداد افرادی که مطابق اساس نامه برای هیئت مدیره انجمن باید انتخاب شوند کمتر بوده است قضاوت افکار عمومی نسبت با ایشان و اقدامات بسیار مشعشع انجمن غیر از این نمیتوانست باشد. اگرچه این روزها بازار عوام فریبی گرم است ولی مسلماً آنگاه باید متوجه باشند که بقول معروف (همه را برای همیشه نمی توان فریب داد) و با اعتراف و اقرار باینکه قضاوت افکار عمومی بزرگترین و مقدس ترین حکم غیر قابل فرجام است باید قضاوت مردم احترام بگذارند و بیش از این راه ناصحیح ملاحظه و مداخلات را پیش نگیرند.

مردم محروم و ستمگش و افراد شرافتمند و علاقمند باصلاح امور اجتماعی باید اطمینان و ایمان داشته باشند که از این گونه انجمن ها کوچکترین انتظار اقدام اصلاحی نمیرود.

کسانی که در ناز و نعمت زندگی میکنند، اشخاص که کوچکترین اطلاعی از وضع خراب اجتماع ما ندارند، افرادی که نمی توانند دلسوز بحال اجتماع ما باشند قادر نخواهند بود کوچکترین قدم اصلاحی بردارند. تنها راه اصلاح و چاره منحصر بفرد این است که خود ما، همه افراد محروم مملکت، اشخاص علاقمند به بهبود وضع اجتماع و دوستان اران ملت جمع شوند متحد گردند از مبارزه فردی دست بردارند و متفقاً مبارزه دسته جمعی خود را با عوامل فساد جامعه شروع کنند.

ما باید از هم اکنون صفوف خود را هرچه بیشتر فشرده نمائیم و متحداً با شرکت در انتخابات انجمن کلیه یان که هر چه زود تر باید مطابق مقررات صورت گیرد افراد منتخب خود، کسانی را که برآستی دلسوز بحال اجتماع باشند با انجمن بفرستیم.

بمقیده ما که مسلماً نظر همه افراد این جامعه است تنها وجود يك انجمن که اعضای آن برگزیده افراد جامعه و منتخب آن باشند می تواند قسمتی از عیوب اجتماعی ما را اصلاح کند.

آگهی

دفتر «جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران» همه روزه از ساعت ۵ الی ۷ بعد از ظهر برای نام نویسی دایر است - علاقمندان میتوانند در ساعات مذکور مراجعه کنند.

نشانی - چهارراه مخبرالدوله - قرائت خانه شیروانی

آگهی

رفقای دانشجوی یهودی دانشگاه تهران در جلسه عمومی جمعیت خود که امروز ساعت ۶ بعد از ظهر در دبیرستان اتحاد تشکیل می شود حضور بهرسانید

جمعیت دانشجویان یهودی دانشگاه تهران

ارزش زن در اجتماع

بقیه از صفحه ۱

ولی فعالیت زنان در کشورهای
مترقی ثابت کرده است که این عقیده باطل
است و باید این فکر را از جامعه دور
انداخت .

آیازنان در مبارزات اجتماعی باید
فقط تماشاچی باشند؟ اگر وضع اجتماع ما
اینقدر خراب و رژیم حاکم بر آن غلط
نبود اصولاً چنین ستوالی پیش نیامد، مگر
زنان اهل این جامعه نیستند؟

مگر مبارزات این اجتماع با سر نوشت
آنها مربوط نیست؟ پس کدام منطق اقتضا
میکند که آنها دوشادوش مردان نباشند؟
اوضاع کنونی دنیا یعنی زندگی صنعتی مجبور
میکند که زنان از خانه بیرون بیایند و در
زندگی اقتصادی شرکت موثر داشته باشند
وقتی زن از جهت اقتصادی با مرد برابر
بدهی است که حقوق اجتماعی آن نیز برابر
میکردد، هنوز با سواد شدن و معلومات
داشتن مخالف قوانین است و آمدن
آنها در اجتماع مخصوصاً اجتماعی که
مدافع حقیقی آنها است و آنها را بدرک
حقایق آشنا می سازد محالست زن را بنام
وظیفه مادری از اجتماع دور نگاه میدارند
تا بوضع طبقاتی خود بی نبرد ولی اگر
وارد اجتماع شود وظیفه مادری را خیلی
بهتر میتواند انجام دهد زیرا سطح معلومات
او ترقی می کند و این در تربیت صحیح فرزند
او تاثیر فراوان دارد .

آنهاست که مخالف وارد شدن زن در
تمام شئون اجتماعی می باشند بدانند که
بی فکری خود را ثابت می کنند
خورسندیم که میتوانیم امروز از حقوق
خود با پشتیبانی روشنفکران واقعی ،
دفاع کنیم تا فردا با داشتن مدافعین
بیشتری به جامعه و تمدن
بشری کمک کرده بمخالفین خود بهمانیم
که زن هم می تواند بدون لغزش دوش بدوش
مردان کار کند و چون زن و مرد هر دو با
هم کار کردند بدون شك اجتماع نویی
بوجود خواهد آمد که ضلطن سعادت زن و
مرد و فرزند آنها میباشد .

این حق را برایگان بزنان نبدهند
باید کوشش کرد و حق خود را گرفت و
این زنچیر اسارت را نمی توان با تنها
خواهش گسست بلکه باید مبارزه عیق
و بی گیر باید این ننگ را از زنان دور
کرد و زندگی را از این قعر و بدبختی نجات
داد .

مادخران و زنان اسرائیل باید بهمراهی
خواهران ایرانی خود برای گرفتن این
حق و گسستن این زنچیر اسارت مبارزه
جدی و کوشش زیاد نمایم تا در این مبارزه
کامیاب و پیروز گردیم و این تساوی را
علا بر قرارداد نمایم .

کوشش در راه اصلاح مدارس

بقیه از صفحه ۱

بطوریکه میتوان گفت مدارس نقش
مهم و موثری در زندگانی آینده جوانان
داشته و هر تأثیری که در ضمیر آنان
بجا گذارند در اجتماع بظهور رسیده و
در روابط عمومی آنان با افراد اجتماع
آشکار میگردد

از همین نظر است که اصلاح وضع
مدارس و رسیدگی بآموزش و پرورش
جوانان جامعه یهودیان یکی از مواد
اصلی برنامه جمعیت را تشکیل داده و
ما خود را موظف میدانیم که فعالانه در
این راه کوشش نمایم تا عناصر مفیدی
برای جامعه تربیت شوند همگی بوضعیت
عمومی فرهنگ کشور و موسسات مربوط
به آن وقوف کامل داشته و میدانیم که
سازمان آموزشی و تربیتی اجتماعی که
در آن زیست میکنیم چه وضعی دارد جامعه
یهودیان جزئی از اجتماع ایران بوده و
هر کیفیتی که در اجتماع ایران در زمینه
اقتصاد و فرهنگ و بهداشت و ... وجود
داشته باشد همان وضع در جامعه یهودیان
نیز جریان داشته و از نظر کلی اختلاف
فاحشی با آن ندارد.

بهمین علت هم هست که ما معتقدیم
تا مادامیکه یک تغییر اساسی و عمیق در
تمام شئون زندگی ملت ایران و منجمله
در زمینه فرهنگ بوجود نیاید وضع ناسامان
جامعه یهودیان هم هیچگونه تفاوتی
نکرده و بهمان حال خود باقی میماند .
ازینرو عقیده داریم که باید یک کوشش
همگانی و عمومی صورت گیرد تا همان
طوریکه فرهنگ عمومی ملت ایران اصلاح
میشود وضعیت فرهنگی جامعه یهودیان
نیز تغییر پذیرد .

بنابراین هر گونه بحثی که در باره
مدارس و کیفیت فرهنگی جامعه یهودیان
گفته شود برای تمام اجتماع ملت ایران
عمومیت دارد .

تبل از آنکه راجع بکیفیت مدارس
و چگونگی اصلاح آن نظر خود را بیان
داریم باید بگوئیم یکی دو مدرسه که
در جامعه یهودیان وجود دارد بهیچوجه
کفاف کودکان یهودی را نداده و همان
هایی هم که با هزار گونه مرارت و بد
بختی حاضر میشوند اطفال خود را ب مدرسه
بفرستند با هزاران مانع دیگر برخورد
کرده تا بالاخره مجبور میشوند نوباوگان
خود را تحویل کلاسهای بدهند که هر
یک شصت تا هفتاد شاگرد دارد . اولین چیزی
که در همان بر خورد اول بمدارس نظر
ما را بخود جلب میکند همین تعداد شاگرد
ها کلاسها است بدیهی است که معلم در
اثر کثرت شاگردان حتی نمیتواند بروحیه
محصّلین آگاهی حاصل نماید چه رسد
بانکه موفق شود همه را کنترل کرده و
راهنماییشان نماید .

بخصوص این کثرت شاگردان در
کلاسهای ابتدائی مدارس بخوبی مشاهده
میکردد که مانع بزرگی در راه آموزش
و پرورش اطفال است در کلاسها در کنار
افزادی شریف و شایسته کسانی دیگر
هم بامر تعلیم اطفال اشتغال دارند که
بهیچوجه صلاحیت آموزشی ندارند و اولیاء
مدارس برای اینکه بودجه بیشتری صرف

استخدام معلم نکنند از اینگونه افراد که
چون وصله ناجورین معلمین شریف هستند
استفاده میکنند معلمین شریف و دانشمند
هم در اثر گرفتاریهای زندگی و تأمین
نبودن وضع معاش و ناراحتیهای دیگر
حوصله کافی و اعصاب محکم برای تربیت
صحیح اطفال ندارند .

البته این انتقاد منطقی مانع از اینست
اینگونه آموزگاران که تخصصی در کار
خود ندارند و برای تهیه لقمه نانی باین
شغل روی آورده اند ناگوار آید و حمل
بر غرض گردد و آنرا دلیل مخالف ما با
خود بحساب آورند - آنها خود باید باین
موضوع توجه داشته باشند که سر نوشت
عده زیادی از کودکان جامعه خیلی ارزنده
تر و مهمتر از زندگی خصوصی خود
آنهاست و البته تقصیری هم متوجه آنان
نیست بملت آنکه اگر در کشور کار وجود
داشت هیچگاه سراغ شغلی که در خود
آنان نیست نمی رفتند .

در مدارس ما بهزادان وسیله سعی
میشود که با تحقیر و براه انداختن بساط
چوب و چماق و کشتن روح اینکار محصلین
شخصیت اطفال را تضعیف نموده آنان را
مطمئن خود سازند ، شاگردان مدارس ما
حتی اگر از نظر نسبی هم وضعیتشان را
مورد مطالعه قرار دهیم از شاگردان دیگر
مدارس چگونگی تربیت میشوند .

باید اطفال را طوری تربیت کرد که
در اجتماع همیشه مبتکر و باشخصیت باشند
نه مقلد و چون باید به تربیتی هست بساط
چوب و ضرب اطفال از مدارس برچیده
شود باید با اطفال امکان داد که درباره
زندگی خود فکر کنند و اجتماع خود را
بخوبی بشناسند باید آنانرا عادت داد که
آنچه می آموزند با تجربه روزانه زندگی
و واقعیت تطبیق نمایند . اعمال زور و فشار
بشاگردان جز آنکه آنان را مایوس کرده
و از تحصیل دلسردشان سازد نمره دیگری
ندارد .

عادت جدائی و فاصله عمیقی که بین
معلمان و شاگردان وجود دارد همین بکار
بردن روش زور و در نتیجه باین آوردن
شخصیت محصلین است ، این اصل را دیگر
همه پذیرفته اند که با زور و فشار نمیتوان
کسی را تعلیم داد و چقدر باعث تاسف است
که هنوز در مدارس ما برای مطیع ساختن
اطفال روش قرون وسطی را بکار میبرند ،
در مدارس ما هیچگونه رابطه درستی بین
شاگردان و معلمین وجود ندارد بزرای
اینکار اولاً باید معلمین خود را از شاگردان
جدا نکرده و صمیمانه با آنها کار نماید .
تایک محیط صمیمیت و عشق بکار وجود آید تا
خود شاگردان باید برای حفظ موقعیت خویش
کوشش نمایند خوشبختانه یکی دو سالست
که در مدارس ما جنب و جوشی ایجاد
شده است باید با کوشش هر چه تمامتر
این جنبش دنبال شده و بی پایان رسانده
شود . برای این منظور باید شاگردان
برای خود اجتماعاتی تشکیل دهند و بدینوسیله
آگاهی اجتماعی خود را بالا برده ، بحیط
زیست خود آشنا شوند و آنوقت با معلمین
یک رابطه صحیحی برقرار کرده و برای
اداره صحیح آموزشگاه خود تلاش
نمایند . البته خود معلمین نیز در این زمینه
با شاگردان همکاری صمیمانه خواهند داشت

دنیای صاحبیه اوستا

بقیه از صفحه ۱

وقت نوش جون می کنی، درسه داداش
جون ، خوب ... همه چی همین طوره اول
باهاس دورورشوازش بگیر ی خوب خوب
لغت و عربیوش بکنی که اون لفافه هاش
کیبت نکه تا اونو بتونی بشناسی و درس
وحسابی ازش سردریازی .

حالا سیاست یعنی چه ، من خیال
میکنم که این کلمه را بد جوری باحالی
کردن .

از این کلمه که وقتی خوب تو نخش
بری خیلی ساده و راس و رسیه یک آقا لولو
دزی حسابی برای من و تو ساخته و پرداخته
کردن که وقتی اسمشویان موهامون
سیخ میشد .

چرا برای اینکه وقتی اسم سیاست
میاد آدم خود بخودی یاد زندون و دوساق
خونه ، دار و تیربارون و از این چیزا
میفته .

اونوقت آدم مجبور میشه که حق بجانب
شما بده و بگه «سری که درد نیکنه
دسال برای چیه» .

بقیه دارد

اغلب سعی شده است که دانش آموزان
را طوری تربیت کنند که از همه چیز و از
همه جا بی خبر بمانند چون آگاهی محصلین
را مغل آسایش خود میدانند ، این روش
ناهنجار باید هر چه زودتر از مدارس
ترک گردد و با مجاز شدن کنفرانسها و
میدان دادن بفعلات های مختلف دانش
آموزان در بالا بردن شعور اجتماعی
و علمی آنان کمک شایسته شود .

نباید راضی شد که جوانان ما هنگامیکه
مدارس را رها میکنند افراد بدون ابتکار
و جنب و جوش باشند . مسئله مهمی که
بخصوص باید در باره مدارس ما ذکر
کرد روش اولیاء مدارس باشاگردان
بی بضاعت است - اولیاء اطفال هر سال
که میخواهند فرزندانشان خود را ب مدرسه
بفرستند باید از یک سد بزرگی که شهریه
نام دارد عبور نمایند و چون اکثریت
جامعه ما افراد محروم تشکیل میدهند
لذا از پرداخت حق الثبت زیادی که ب آنان
تعلق میکیرد عاجزند و برای اینکه
بتوانند اطفال خود را مجاناً در مدرسه
بگذارند ساعتها با اولیاء امور میبایست
دارند شایسته است متصدیان مدارس از
این نظر تسهیلات فراوانی برای فرزندانشان
محرومین اجتماع قائل شوند و اینقدر
برای تحصیل خانواده ها اشکال تسهراشد
البته کارهای دیگری نیز هست که در مدارس
باید انجام گیرد که یکایک آنها را نمیتوانیم
مشروحاً ذکر کنیم و این بیشتر بعهده خود
دانش آموزان است که با تشکیل سازمان
صنفی و ایجاد انجمن های مختلف بوضع
آموزشی خویش سرو سامانی دهند . ما از
کلیه دانش آموزان میخواهیم که با ما
ارتباط گرفته و عقاید و خواسته های
خویش را با ما در میان نهاده و از هر جهت
ما را یاری دهند . همچنین از همه فرهنگ
دوستان و بخصوص معلمین شرافتمند مدارس
طلب میکنیم که در راه اصلاح موسسات
آموزشی جامعه یهودیان با ما تشریک
مساعی نموده و با همه توانائی خویش
بما هماهنگ شوند .

تسلیت

دانش آموزان دبیرستان اتحاد در گذشت جانکد از جهشید ترمه
فروش را بخانواده ترمه فروش تسلیت میکنند .
بنی آدم ، مانیز مصیبت وارده را بخانواده ترمه فروش تسلیت
می گوئیم

این روزنامه آرمان «جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران» بوده و بهیچ دسته دیگری بستگی ندارد

استقبال بی نظیر مردم

بقیه از صفحه ۱

بعضی واقعا خواسته اند کاری بکنند مردم انجام دهند ولی نقشه صحیح برای فعالیت خود نداشته و در اثر تحریک عناصر مخالف اصلاحات اجتماع میدان خالی نموده اند - بعضی دیگر از انجمنها در حالیکه ماسک هواداری از منافع ملت بچهره زده اند و حرفهای ظاهر فریب گفته اند ولی از آن جا که قدمی در راه مصالح مردم برداشته اند مردم از آنها فاصله گرفته و توجیهی بدانها ننموده اند.

«جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران» امیدوار است با نقشه صحیح و پشت کار مردم اصلاح طلب و همکاری دستجمعی عموم بتواند قدمهای موثری در بهبود وضع اجتماع بردارد.

ما عقیده داریم که تنها بحرف نباید توجه کرد، باید عمل را ملاک قضاوت جمعیت ما قرار داد.

ما امیدواریم بتوانیم با کوشش و فعالیت خود اطمینان اکثریت اقصاد جامعه را به شوی خود جلب نموده آنها را برای اقدام در رفع ناملاهیات زندگی بدور هم گردآوریم.

البته در این راه ما دشواریهایی در پیش داریم. ممکن است در جریان فعالیت خود که قدم اول آن بیدار نمودن ذهن مردم است به مشکلاتی برخورد کنیم چه بسا کسانی که منافشان در خواب بودن جامعه است سدهائی جلوی پای ما ایجاد نمایند با ما بیخالفت برخوردند ولی با تکیه پیروی مردم که خواهان اصلاحات اجتماعی و تشنه تغییر این وضع پوسیده هستند بخوبی میتوان این سدها را هر قدر هم قوی و محکم باشد در هم شکست. تاریخ اجتماع بشری در بهبود وضع خویش از یکسو و مخالفتهای دشمنان بشر که خواهان تثبیت وضع موجود است - بوده اند از سوی دیگر.

ولی از صفحات تاریخ امری که نتیجه میشود اینست که سرانجام فتح و موفقیت نصیب مردم و جریاناتی که پیروی ملت تکیه نموده اند بوده است.

اکنون هم وضع بدینشوال است «جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران» به نیروی دستجمعی مردم تکیه خواهد کرد و با همکاری و همفکری عموم علیرغم همه گونه مشکلات راه اصلاح وضع اجتماع را پیش خواهد گرفت و در انجام این وظیفه بزرگ در مقابل هیچ مانعی نخواهد ایستاد

صاحب امتیاز و مدیر
لقمان صالح
جای اداره

چهارراه مغربالدوله محل قرائتخانه شیروانی
یکساله ۱۰۰ ریال
شش ماهه ۵۰ >
سه ماهه ۲۵ >

یهودیان نمیتوانند در مقابل خطر جنگ...

بقیه از صفحه ۱

استفاده از بازار ممالک دیگر، برای بودن ثروت مردم سایر کشورها دست بچنگ و کشتار میزنند.

در جنگ بین الملل دوم صنعت بزرگ در آلمان توسعه پیدا نموده بود. تولید کالا بعد از بادی ترقی یافته بود ولی محل فروش و مرکز تهیه مواد خام در دست انگلستان و فرانسه بود، هیتلر نیز برای این بوجود آمد که جوانان و طبقه متوسط آلمان را بفریبد و آنها را برای جنگ تجاوزآمیزی آماده سازد.

کشور آلمان برای تسلط بر بازارهای جهان از سر تا پا مسلح شد، بکشورهای مجاور تاخت آورد، ملیونها نفوس بشری در خون غلطیدند و جنگ بین الملل دوم بقیته خونهای فراوانی که ریخته شد پایان رسید.

پس از جنگ بین الملل دوم بسیاری از ملل اروپا و آسیا که پیش از آن در قید زنجیر و حکومتهای غیرملی اسیر بودند رستخیزی بوجود آوردند، حکومتهای فاسد را از خود دور ساختند و حکومتهای آزادی بوجود آوردند.

حکومتی که گذشته منافع ملت خود را بکارخانه داران انگلیسی، فرانسوی و آمریکائی فروخته و کشور خود را بصورت بازارهای این ممالک در آورده و دندیس از جنگ که ملل این قبیل کشورها اختیار حکومت را خود بدست گرفته اند درهای مملکت را بروی اجناس بیخارچی بستند و با کشورهای که با آنها روابط دوستانه مقابل برقرار نموده بودند روابط اقتصادی برقرار نمودند.

این بدیده جدید برای اقتصاد کشورهایی از قبیل آمریکا، انگلستان و فرانسه که از طریق غارت مستعمرات و کشورهای نیمه مستعمره چرخ اقتصادیات خود را میگردانند بسیار ناگوار است.

کشور وسیع چین که برای سرمایه های آمریکائی منبع عایدی غیر قابل تصویری بود پس از تغییر رژیم از دسترس تجار آمریکائی خارج شده است.

نفت رومانی، بازار لهستان و کشورهای دیگر از قبیل بلغارستان و مجارستان که منابع زرخیزی برای کارخانه داران بزرگ انگلیسی، آمریکائی و فرانسوی بودند پس از جنگ بین الملل اخیر از جنگ این تجار حریص خارج شد بدست خود ملتها افتاد. از سوی دیگر جنبش مستعمرات از قبیل هندوچین، فیلیپین، فلسطین، هندوستان برمه، مالزی و اندونزی و ندای استقلال طلبانه ملتهای ساکن این سرزمینها و پیدا شدن آزادی نسبی برای بعضی از آنها، کوشش پرافتخار ملت ایران برای طرد شرکت سابق نفت از کشور خود، مبارزه اخیر ملت مصر برای اخراج نیروهای انگلیسی از سرزمین خویش، دولتهای استعمار جورا بر آن داشته است که برای بحران اجتناب ناپذیری که اقتصاد آنان را تهدید میکند چاره اندیشند.

در عین حال که آمریکا میکوشد منابع سرزمینهای تحت نفوذ رقیب انگلیسی و فرانسوی خود را از چنگ آنان خارج سازد از طریق دیگر میکوشد از آنها اتحادیه برای هجوم بمالکی که رژیم جدید در آنها برقرار کرده است بوجود آورد

بلوک آتلانتیک که برهبری دولت آمریکا بوجود آمده است برای اینست که دول اروپای غربی را دور یکدیگر جمع نماید، اتحادیه جنگی و نظامی از آنان بوجود آورد و بطور دستجمعی برای تهیه بازار بکشورهایی که از قید نفوذ سرمایه آنان خارج شده اند یورش ببرد - مسلح نمودن آلمان، احیای آثار هیتلر و رومی و روحیه جنگ طلبی در این کشور، تجدید تسلیحات ژاپون برهبری نزدیک ترین و صمیمی ترین دوستان هیتلر و موسولینی، کوشش در ایجاد دسته بندی در خاور میانه و نزدیک برهبری یونان و ترکیه و ایقبتیل فعالیتها همه برای این است که میخواهند با برپا نمودن جنگ جدید بازارهایی بدست آورند و شاید از بحرانی هولناک که دستگاه اقتصادی آنها را تهدید میکند برای مدتی رهایی یابند. جنگی که مدتی است تهیه آن دیده میشود گسترش سودی برای ملتها در بر ندارد ملل از جنگ جز کشتار یکدیگر جز از دست دادن بهترین فرزندان، نابودی تمدن، خرابی، آتش سوزی، قحطی و مرض چیز دیگری نصیب نمیرند

یهودیان ساکن کشورهای اسرائیل و یهودیان سایر کشورهای جهان جز مبارزه و مخالفت با عوامل برپا کننده جنگ راه دیگری در پیش ندارند.

اگر فلان کارخانه دار سودجو میل دارد برای تامین منافع خود توب و تانک بسازد و بسرو روی مردم بیگانه بریزد ملل دنیا منجمله یهود جز مقابله با این خطر بزرگ که حیات همه مردم را تهدید میکند راه دیگری در پیش ندارند

کشور نوزاد اسرائیل را در نظر آوریم مردم این کشور پس از تحمل مصائب فراوان و دادن قربانیهای بی شماری توانسته اند استعمار انگلیس را از سر زمین خود خارج سازند و بتدریج با آباد ساختن سرزمین خود بپردازند.

نقشه های عبرانی مردم این کشور جز در زمان صلح، جز با برقراری آرامش امکان پذیر نیست، هنگامی که بسبب از بالای سر مردم فرومی ریزد و خانه ها و مزرعه ها آتش میزند و با خاک یکسان می سازد و انسانها را قطعه قطعه مینماید نمیتوان از تراکتور ماشینهای فلاحی برای تولید در مزرعه استفاده کرد

مردمی که امیدوارند از راه توسعه و تکامل «کیبوتص» ها و «مشاو» ها «آینده مرفهی برای خود و فرزندان خویش تامین سازند جنگ این آرزوی آنها را خواهد سوزاند و آمل آنها را برباد خواهد داد.

تامین منافع سوداگران بزرگ از طریق تولید جنگ و خونریزی با آمل، آرزوهای امیدهای ملیونها مردم مسالمتجوی جهان که در فکر پرورش فرزندان، آباد

ساختن خانه ها و باغات و از بین بردن خرابیها می باشند منافات دارد و در جهت متضاد سیر می کند.

ملتها هیچگونه نفی از جنگ نمی برند صحیحست که زندگی بسیاری از مردم تلخست، بهداشت ندارند - خانه ندارند بیکاری تار و پود زندگیشان را از هم خواهد گسیخت ولی رفع این محظورات که مستلزم کوشش خستگی ناپذیر بشریست جز در سایه صلح جهانی میسر نخواهد بود.

در دنیا ی طوفانی نمیتوان نقشه ای برای زندگی آینده طرح نمود - باید اول طوفان را از بین برد - آتش را خاموش کرد جلو میل بنیان کن را سد نمود: در بین ملتهای کوچک از قبیل ملت ما ممکنست کسانی تاجریشه یافت شوند که تصور نمایند جنگ برای آنها سودی بار خواهد آورد. مانند جنگ گذشته با سرمایه کم از راه احتکار و طرق دیگر خواهند توانست منافع هنگفتی گرد آورند.

ولی این تصویری خام و خیالی باطلست جنگی که تهیه آنرا می بینند اگر بوقوع پیوندد ملتها را از بین خواهد برد فقیر و غنی تاجر، و کارمندان را از هم فرق نخواهد گذاشت.

جنگی که وسائل آن را فراهم می آورند جنگی نیست که محدود به چند مملکت و یا حتی یک قاره بخصوص باشد، جنگیست که تمام جهان را در آتش خواهد سوزاند - جنگیست که در آن یک بیب اتی شهرهای وسیعی را با خاک یکسان خواهد کرد. در این صورت اگر چنین فاجعه وقوع پیدا کند فلان تاجر فرصتی نخواهد داد که از راه احتکار سودی برگیرد در اینجا مسئله مرگ و زندگی مطرحست - خطر نیستی و نابودی بشر در پیش است، تمدن بشری مورد تهدید است - بنابراین صحبت از این نباید به میان آید که جنگ برای فلان کس مفید و برای همه دیگر مضر است - بجز گروهی صاحبان صنایع عظیم که اکنون کارخانجات خود را بدل زراد خانه نموده و بجای تهیه وسائل زندگی و اشیاء مورد نیاز بشری بپ و خپاره و توب و تانک و کشتی جنگی و طیاره و زیر دریائی می سازند.

عموم مردم جهان از جنگ بین المللی و هراسانند و زندگی آنها در معرض خطر واقعست.

اکنون که وضع بدینشوال است روشن است که وظیفه هر فرد تنها مخالفت سطحی با جنگ نیست - باید علاوه بر شرایطی که راه جنگ را صاف و هموار میسازد مبارزه کرد.

این مبارزه نباید لفظی و متکی بر احساسات باشد - باید بدان جنبه علمی داد.

تنها ذکر این موضوع که « همه با جنگ مخالفند » جلو خطر خانمانسوز جنگ را نیگیرد در اینجا ممکن است کسانی بگویند چه میخواهیم و چه نخواهیم

جنگ وقوع خواهد یافت. بنا بر این موافقت و مخالفت ما تاثیری نخواهد داشت - این صحیح نیست - در اینجا نیروی ملتها که عامل اصلی هستند فراموش میگردد - آنها که میخواهند جنگ برپا کنند از نیروی مردمی که فریب داده اند استفاده میکنند - خود صاحب کارخانه که بیدان جنگ نیروی او کوشش میکند مردم را بیدان بفرستد و بکوشش دم توب تبدیل سازد باید ایسن کوشش را خنثی نمود - باید مردم را بیدار کرد که فریب نخورند و بر علیه برادر و خواهر خود اسلحه بکار نبرند - هر انسانی که معنی جنگ را درک کند و باین موضوع که جنگ جز تلف ساختن نفس او و همنوعانش سودی دیگر بار نخواهد آورد، مسلمانانه از زیر بار جنگ خالی خواهد کرد و باین ترتیب از نیروی افروزدگان جنگ يك نفر کاسته خواهد شد بنابراین نتیجه میگیریم که:

۱ - جنگ وسیله تامین منافع عده قلیلی صاحبان کارخانجات عظیم است.

۲ - صاحبان کارخانجات عظیم جنگ را بعنوان وسیله برای تهیه مستعمرات و بازارهای فروش میخواهند.

۳ - دولتهای استعمار طلب از طریق جنگ میخواهند جنبش ملل مستعمرات و کشورهای نیمه مستعمره را که برای آزادی و استقلال خود میکوشند از بین ببرند.

۴ - صاحبان کارخانجات عظیم میخواهند کشورهای آزاد شده را از طریق جنگ از نو تحت تسلط و رقیت خود در آورند و از منابع زرخیز ثروت طبیعی و نیروی بازوی مردم این سرزمینها برای تامین منافع شوم خود استفاده نمایند.

۵ - یهودیان ایران مانند سایر برادران وهم میهنان خویش از لحاظ علاقه که بجان خود و فرزندان وهموطنان و خویشان و خانه ومسکن و فرهنگ و تمدن ملی خود دارند نمیتوانند در مقابل خطر جنگ سکوت اختیار نمایند.

همچنین از لحاظ علاقه که بحیات برادران مذهبی خود که در سرزمین اسرائیل سکونت گزیده اند دارند با توجه باینکه جنگ بکلی تار و پود زندگی آنها را از هم خواهد گسیخت بانحو بارزتری باین خطر بزرگ مخالفت میورزند.

این است نظرها و عقیده هر انسان شرافتمند دیگری در باره جریاناتی که اکنون در حیات بشری بعنوان مسئله درجه اول از لحاظ اهمیت مطرح است.

یهودیان یش از سایر ملل جهان از جنگ آسیب دیده اند و بنا بر این بیش از سایر ملل در رفع خطر آن خواهند کوشید.

خواهران و برادران ایسرائیل

جمعیت فرهنگی و اجتماعی یهودیان ایران از عموم برادران و خواهران اسرائیل و کلیه اعضای جمعیت دعوت مینماید که برای آستماع گزارش هیئت مدیره و آشناسدن به هدف و روش جمعیت در جلسه عمومی که روز شنبه ۱۱ آبان ماه ۱۳۴۰ در ساعت ۴ و نیم بعد از ظهر در سالن دبیرستان کورش واقع در خیابان آقا شیخ هادی کوچه هاتق منعقد است حضور بهم رسانند.

چاپخانه نقش جهان
تلفن ۲۷۲۰۲